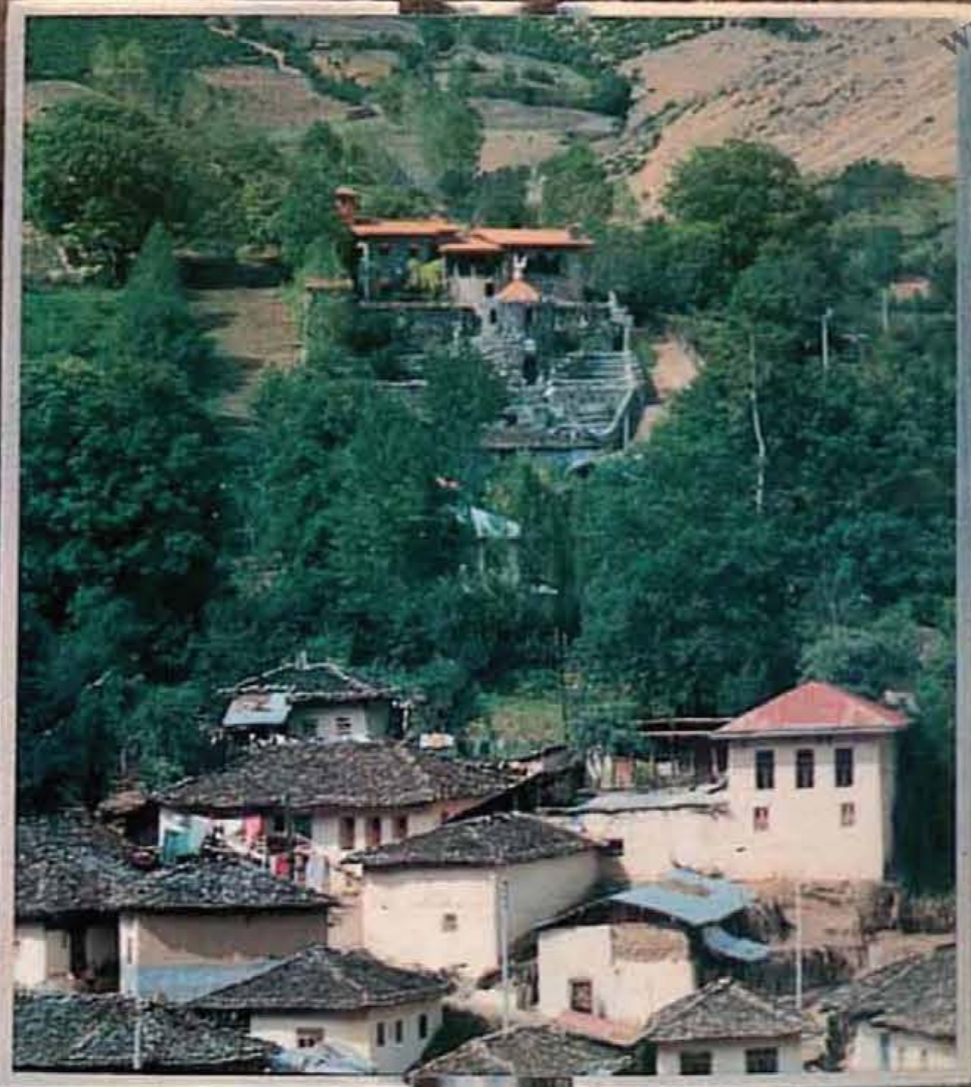




مجموعه فرستگي کندلوس

Kandelous

Cultural Complex



جاده چالوس ، بعد از مرزن آباد ، جاده دشت نظير ، كيلومتر ۴۲ ، دهكده کندلوس ، ميخساز
Kandelous, Mikhsaz: km 42 Dashtnazir road, off Marzanabad, Chalous road

Designed & printed by TALVAN GRAPHIC - 1382

KANDELOUS CULTURAL COMPLEX (K.C.C.)

That rustic museum and cultural complex which was the fruit of my old and long-lasting love for the entire period of my childhood and youth and which was intended to demonstrate kandelous as a sample village among the green and fertile villages in Iran contained historic treasures as well as self-evident documents of the adventures and tales of our affectionate and sincere ancestors which were all transferred to the newly constructed complex. construction of this complex was initiated in 1980 and was completed within a period of eight years in 1988.

It would be fair enough to state that I,ve enjoyed the beneficence of the Almighty, the endeavours, generosity and unsparing efforts of the unknown artists as well as the assistance and sacrifices of the kind and sincere people of Kandelous.

Construction of K.C.C. had started at a time when only a narrow path connected the village to the urban area and that the village was deprived of any technical or industrial capabilities.

Evidently, K.C.C. which was established to introduce the genuine arts and culture prevailing in Iranian villages and foster further recognition of the artistic and cultural values in the green and fertile territory of Mazandaran could not be compared to other great and well-known museums in the world in view of magnificence and that no one might have expected it to possess such proportions.

However, it is perhaps the only anthropological center in the country with the greatest share to collect and exhibit the ancient and traditional objects and reminiscences of the simple-hearted rural people which has highly attracted the attention of the visitors.

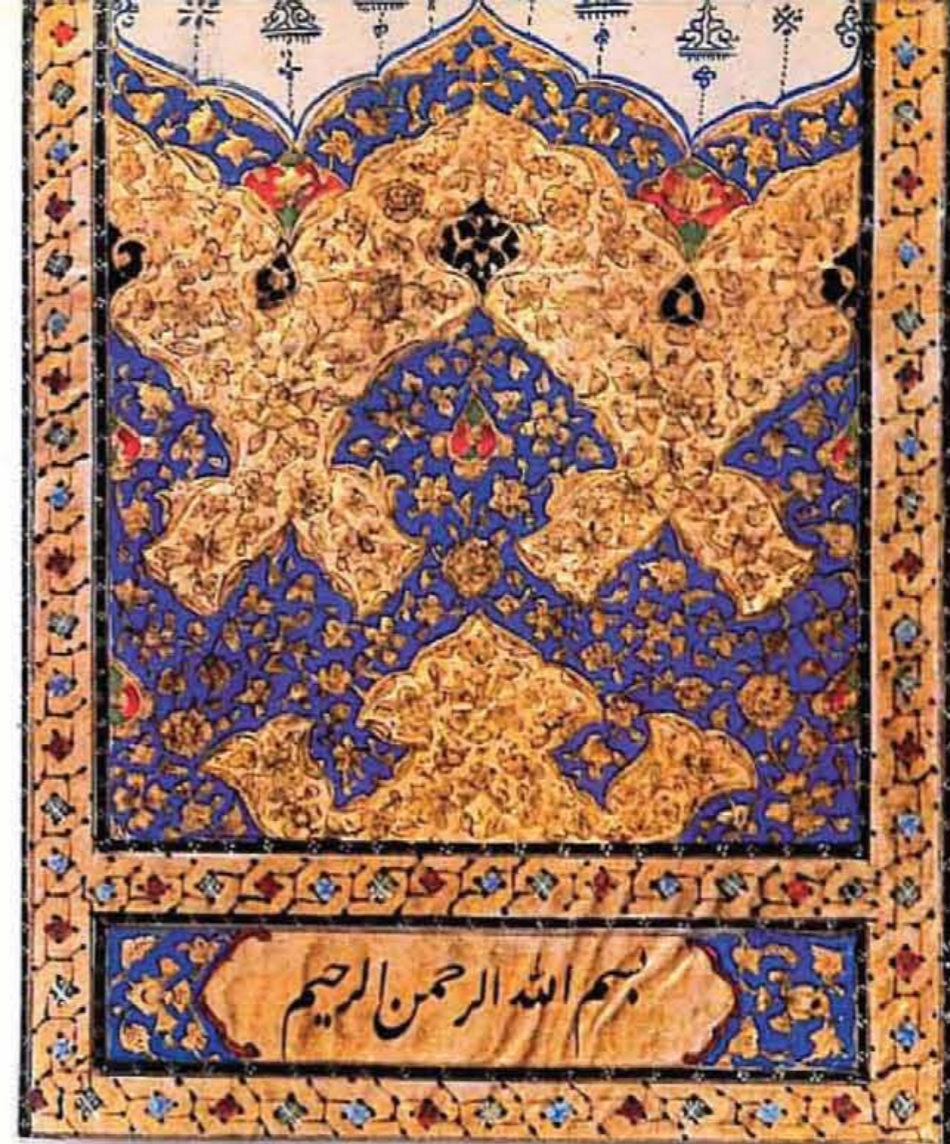
In this complex the valuable rural artistic and cultural works, manuscripts and unique historical documents regarding Kojour region in Mazandaran province are collected to introduce its old history and culture within the following sections:

- section for historical documents.
- section for manuscripts and illuminated documents.
- section for living implements such as locks, scissors, calumet, etc.
- section for textiles and costumes.
- section for ornaments.
- section for traditional painting and pictures displayed in tea-houses.
- Section for ornaments.
- Section for traditional paintings and pictures displayed in tea-houses.

کندلوس برخوردار بودم. روشن است مجموعه فرهنگی کندلوس که با هدف معرفی و اشاعه هنر و فرهنگ اصیل و پربار روستاهای ایران زمین و بازشناختن هر چه بیشتر ارزش های فرهنگی و هنری خطه سرسبز و پربار مازندران برپا گردیده، در مقام مقایسه با دیگر موزه های سترک و نامدار جهان از دیدگاه شکوه و عظمت، از چشمگیری سزاواری برخوردار نیست و چنین انتظاری از آن خام طمع می است، ولی شاید بتوان آنرا تنها مجموعه مردم شناسی در ایران شمرد که بیشترین سهم را در گردآوری اشیاء و یادگارهای دیرین و سنتی مردم ساده دل و روستایی به خویش ویژه کرده و مورد توجه شایان بازدید کنندگان قرار گرفته است.

نیز در این مجموعه دست آوردهای ارزشمند هنر و فرهنگ روستایی، کتب خطی، اسنادی مانند تاریخی منطقه کجور، مازندران در راستای شناخت فرهنگ و تاریخ کهن آن گردآوری شده و شامل بخشهای زیر است:

- ۱- بخش اسناد تاریخی
- ۲- بخش کتب خطی و اسناد تذهیب شده
- ۳- بخش ابزار زیستی مانند قفل، قیچی و چاق و نظایر آن
- ۴- بخش بافته ها و پوشاک
- ۵- بخش زیور آلات
- ۶- بخش نقاشیهای سنتی و قهوه خانه ای که اکنون در دیدگاه ماست.



سالها دل طلب جام جم از ما می کرد
آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد

مجموعه فرهنگی کندلوس

آن موزه کوچک و مجموعه فرهنگی روستایی که فرزند عشق دیرین و تمامی کودکی و نوجوانی من برای برکشیدن کندلوس بعنوان نمونه از روستاهای خاک سرسبز و زرخیز ایران بود که گنجینه های کهن تاریخی و اسناد گویایی از سرگذشت مردم پرمهر و با صفای نیاکان ما را در برداشت سرانجام با من بالید و گسترش راستین آن در سال ۱۳۵۹ شمسی آغاز و بنای آنرا پس از هشت سال در ۱۳۶۷ شمسی بپایان بردم و انصاف باید داد در این مدت از لطف خداوند همت و بزرگواری و تلاش و کوشش بی دریغ هنرمندان گمنام و یاری و یاور و اینار مردم مهربان و صادق دهکده،

مجموعه فرهنگی کندلوس

**THE MOTIVE BEHIND ESTABLISHING
KANDELOUS CULTURAL COMPLEX
(K.C.C)**

Man's efforts and deeds in the history of mankind have always been triggered by some sort of motives. Sometimes the material necessities for survival have absorbed man's entire efforts and in other times the mental and emotional requirements which are deep rooted in one's childhood have flared up from one's innermost bringing about wonderful results under the sacred motive of love. Such a sublime status has been attributed to the love entirety that it has been described as something beyond the realm of man and fairy.

**"MAN & FAIRY ARE PARASITES OF
THE LOVE ENTITY.**

**SHOW YOUR DEVOTION TO ENJOY
SALVATION"**

Ever since I've come to know myself and the environment I was living in, I've loved my birthplace Kandelous. I've loved its fertile land, the pure delicious water of its springs, the greenery of its trees and woods, its pleasant nature and healthy weather, the enchanting songs of its nightingales and wild birds and whatever connected to this fertile region, all of which served as the source of loving in my thoughts and took me to dreams.

I've lived through childhood in this region under such circumstances until I stepped into the prime of youth. At that age I wished everybody would love kandelous and get acquainted with its historical remains, earthenware, handicrafts and whatever related to it, as much as I did. I would regret for the magnificence of all those beauties and innocence to be consigned to oblivion.

I well remember that, motivated by such love and wishes, I had hanged the traditional implements and local costumes of the rural people on the walls of the damp and dark closet of our house, out of the sight of my father and to avoid the complaints and reproach of my mother. I had thus established the most innocent and unknown rustic museum. However, the first step was taken. Since then up to the very moment, even during the period I have lived abroad for my studies, that love has kept flaring up from my whole being.

For years I've devoted my life to this end enduring all the hardships, enmities and grievances in an attempt to fulfill my wishes. My constant resistance and devotion bore fruit and eventually that innocent and unknown museum developed into a deserving rustic cultural complex. Even now every moment of my life is spent to think about its further development and perfection. It is true that sincere love is the cause of great achievements.

**"WHAT VIRTUE BUT GRIEVANCE ENSUES
LOVE?", SAID THE ADMONISHER
"WHAT BETTER VIRTUE COULD ONE HAVE
EXPECTED?", SAID I**

This complex which has traces of my love at its every nook and cranny and is an expressive page from the diary of my childhood, youth and adulthood belongs to the noble people of Iran and every part of it expresses silently but eloquently the secrets of the past to its visitors.

انگیزه برپایی مجموعه فرهنگی کندلوس

در این جهان بزرگ، هیچ پدیده بی بدست بشر صورت نمی پذیرد، مگر آنکه انگیزه بی دست مایه نخستین شکل پذیری، آن باشد گاه نیازهای مادی برای ادامه زندگی، تمامی تلاش آدمی را بکار میگیرد. و گاه نیازهای روحی و عاطفی که ریشه در دوران کودکی دارد. از جهان درون شعله میکشد و به انگیزه مقدس عشق شگفتی‌ها می آفریند.

لفظی مستی شمع آبی، پری ارادت بی با آسائتی بستی

آری من به زادگاهم کندلوس از آن هنگام که با بیرامون خود آشنا شدم عشق می ورزیدم، به سرزمین پربرکتش، به آبهای صاف و گواری چشمه سارانش، به سبزینه های درختان و جنگلهایش، به طبیعت دلانگیز و هوای جانبخشش، به نوای نغمه هزارانش و آنچه باین دیار پربار بستگی داشت و در ساختار اندیشه و دنیای درونم عشق آفرینی میکرد و من عاشق را به رویاهای برد.

کودکی من در این دیار و رویاهای شنیدنی و دیدنی آن سرری شد و نه نوا جوانی رسید. در آن زمان آرزو داشتم همگان چون من به کندلوس عشق بورزند و به بازماندهای تاریخی و سفالینه ها وسایل سنتی و آنچه وابسته به است آشنا شوند، دریغ آمدم این همه عظمت زیبایی و معصومیت در بوتله های فراموشی بازماند.

بیاد می آورم به انگیزه چنان عشق و آرزویی بود که در آغاز، دست افزارها و وسایل سنتی و لباس های محلی مردمان دهکده را، دور از چشم پدر و شکوه های مادر به در و دیوار پستوی تاریک و نمودرخانه آویختم و معصوم ترین و گمنام ترین موزه های روستایی را پدید آوردم:

این گام نخستین بود از آن پس تا هنوز حتی گاهی که برای تحصیل در خارج از ایران بسر بردم این عشق در من زبانه کشید و همچنان میکشد. سالها با ارادت و اخلاص، از جان و دل مایه گذاشتم و با توانی نستوه، دشواریها، نارواییها، دشمنی ها و غمها را در راه رسیدن به این آرزو بر جان خریدم و از یابنداری و ایثار بازماندم تا سرانجام آن موزه معصوم و گمنام، با من و عشق و کوشش و پویش من بالید و بالید و بصورت یک مجموعه فرهنگی ارزنده روستایی در آمد. اکنون نیز لحظه بی اندیشه ام از تلاش برای کمال بخشیدن به آن آرام نیست. آری اگر عشق صادقانه و بی ریا باشد چه شورها که نمی آفریند.

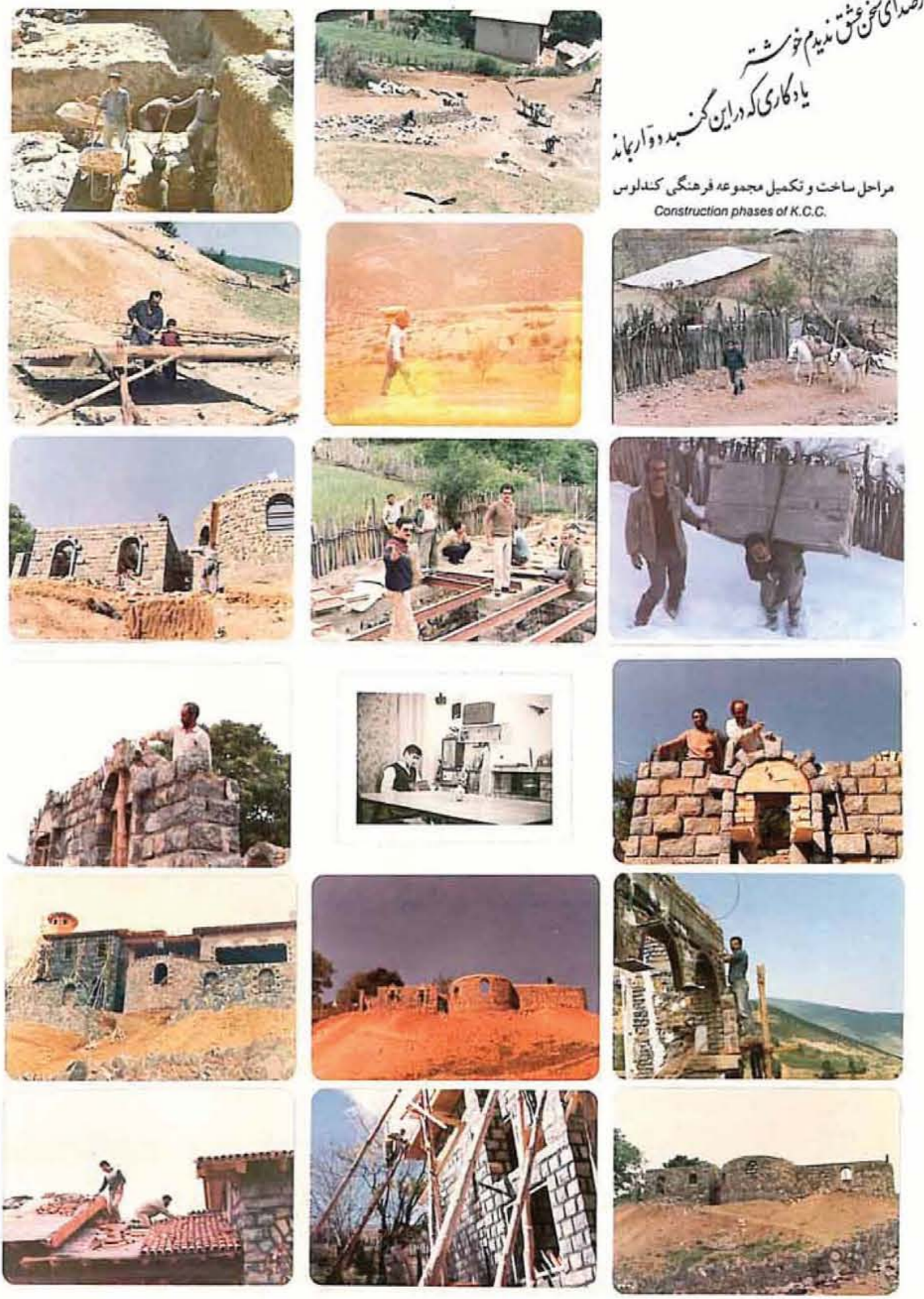
نغمه گنت که بر غم چسبید، عشق نغمه ای صبح شفق بزمی بزم این

اکنون این مجموعه که جای جای آن نشانی از عشق و برگی از دفتر خاطرات کودکی و نوجوانی و جوانی منست از آن مردم پاکزاد ایران است و هر گوشه در خاموشی و سکوت راز و رمزهای دیرین را با هزار زبان برای بینندگان بازگو میکند.



از صدای سخن عشق ندیدم نوشته
یادکاری که در این گنبد و آریانه

مراحل ساخت و تکمیل مجموعه فرهنگی کندلوس
Construction phases of K.C.C.



فرهنگسرای کندلوس



این بنا در سال ۱۳۶۰ هجری خورشیدی به کوشش بنیان
گذار آن علی اصغر جهانگیری فرزند حاج حسین و به بهمت مردم روستای
کندلوس آغاز شد و در سال ۱۳۶۶ هجری خورشیدی به پایان رسید.
پس از ایجاد این فرهنگسرا، نگاهبانی و ارائه اسناد و مدارک و اشیاء
پاشانی در شن فرهنگ این و بکده تاریخی است که به پایانی در اکثر
باشوروشوقی فراوان گردآوری شده است. امید که در گسترش
فضیلت های انسانی و باورهای راستین و نگاهداشت سنت ها و
سرایه های معنوی این منطقه کنشسال، فرزندان برومند و طمان را
بکار آید همچنین سرغازی باشد برای آبادانی این روستای زیبا و محروم.
نیز امید است توانسته باشیم چند روزی که میمان این سرزمین مقدس
بوده ایم شکر نعمت مایلی را که خداوند به ما ارزانی داشته گزارده باشیم و مایلی
را که پدران ما به ما سپرده اند همگوارانه به آیندگان سپرده دین خود را به
مردم خوب و مهربان زادگاه خود ادا کرده باشیم

k.c.c.

مجموعہ فرہنگی کندلوس

ای صباگر بکذری برخطہ مازندران

ہر کجا کلزار دیدی خمیہ مازن دران

A vista of Kandelous Cultural Complex in the heart of greenery and woods.

KANDELOUS: A SPAN OF HEAVEN'S FERTILE LAND

The talk is over Kandelous, a span of Heaven's fertile Land. I dont mean to boast that it is a unique land on earth. However, it is so dear to me owing to the fact that not only it is a part of Iran's territory - a village among thousands of villages in our homeland - but because it is my birth place. It was here that I opened my eyes into the sun, my mother was swayed back and forth under the roof of one of its cottages and that my mother first thought me how to talk and walk.

I've grown with and got accustomed to the beauties of its plants and flowers, the melodious singing of its wild birds, the enchanting songs of its nightingales, the whispering sound of its springs inviting you to its pure delicious water here and there and most importantly to its innocent and noble people. It was eventually due to all these fascinations that I've learned the secret of loving.

Lying at the foothills of Alborz mountains, this village along with three others - small villages of Gillkole, Mirkole and Paldoh constitute a rural district known as mikhas. The district is a fertile land which, thanks to the pregnant spring clouds, is covered with emerald - coloured carpet and multi - coloured flowers throughout its planes and slopes and the sweet odour of its flowers fulfills the dreams of an identical garden of Eden.

Although the ancient history of Kandelous evidenced by reminiscences as well as recovered documents concerning the culture and civilization prevailing here indicates that various clans were living in this region up to the period when Iran was invaded by mongols, no evidence is found to prove it was inhabitable from then on until 10th century lunar Hejra. In 1036 lunar Hejra, based on an available document, a certain Moslem Bapa who was supposedly serving as an artist and craftsman in the courts of Safavids, had purchased the area with the assistance of his children and grandchildren from the Arvidj family at the cost of 19000 Doenars of Tabriz. Since their descendents of the master Moslem Bapa have lived their lives in this district and have, in fact, safeguarded the reminiscences as well as the process of culture and civilization prevailing here.

کندلوس، یک وجب خاک توان بخش خدا

سخن از کندلوس است، یک وجب خاک توان بخش خدا نه اینکه چنین جایگاهی در روی زمین بیگانه است، نه، این دیار برای من گرامی تر از این روستا که نه تنها بخشی از ایران، روستایی از هزاران روستای میهن پریار ماست، بلکه زادگاه هست. در آنجا چشم بر آفتاب گشودم، گاهواره ام در کلبه بی از این سامان به نوسان درآمد، در این جا بود، که مادر، یک حرف دو حرف بر زبانم نهاد و گفتیم آموخت و شیوه راه رفتن را نیز، با گل و گیاه و نوای مرغان وحشی و بانگ هزاران و زمزمه چشمه سازان این روستا، و از همه برتر با مردم معصوم و بیگانه و پاکیزه آن بالیدم و خو گرفتیم در سر عشق و وزیدن را با عشق آن شناختم.

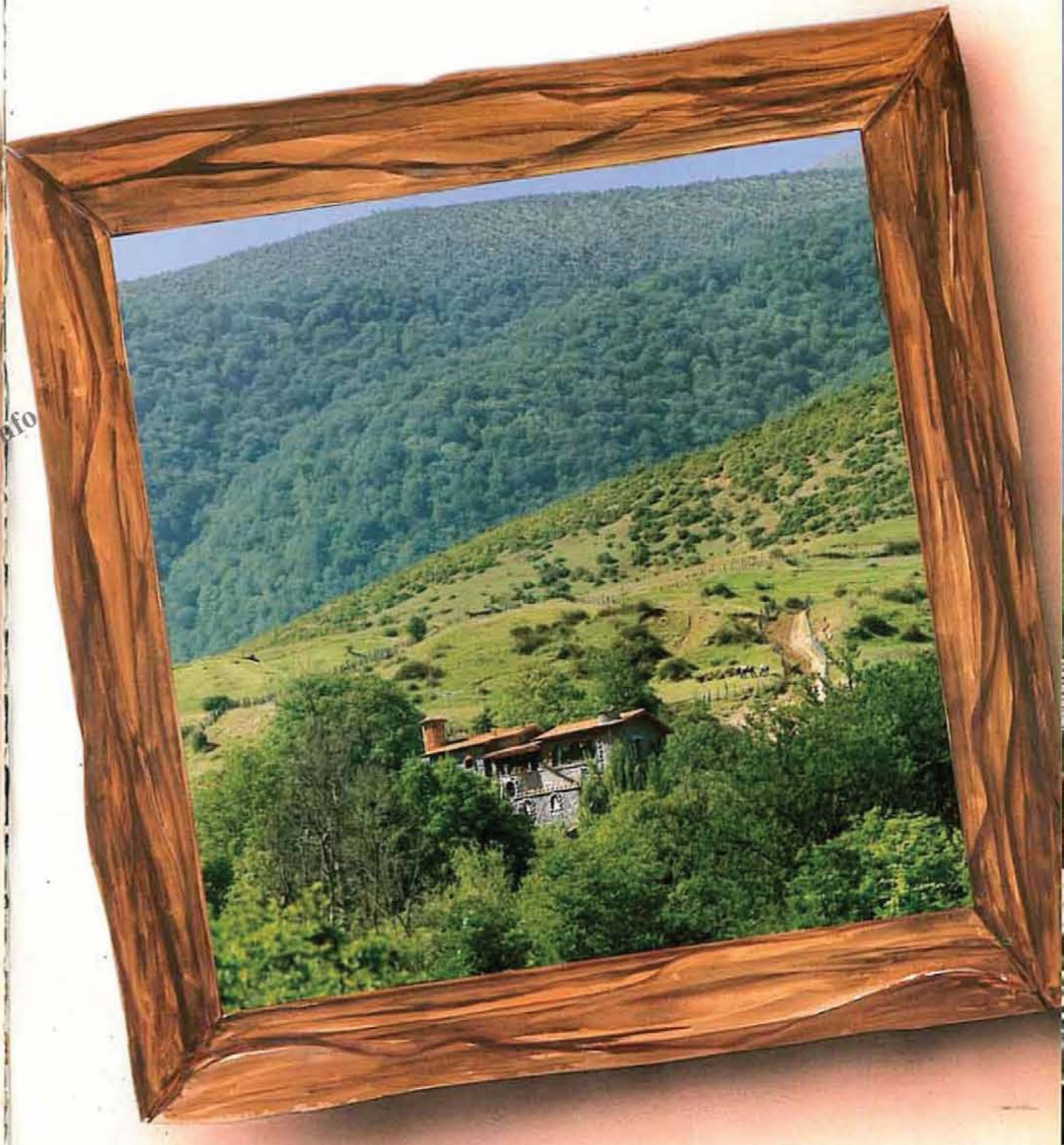
این روستا که با ۳ دهکده کوچک به نامهای بند، گیلکله، میرکلایر، آغوش البرز کوه تکیه زده، مجموعه بی خط محاسباتی تشکیل میدهد، سرزمینی است پربار که خانه ایریهار بهمان روش زمردین گسترده و خامه صمغ بر آن خامه ریاحین، پونه و نقوش نگار خانه چین زده، کلنگ سحر آفرین طبیعت و گل خوشبختی آنرا از هزار رنگ رشک دفتر آرزوی نگار کرده و با تفاوت و جستم کل آن بهشتی دیگر ساخته است.

فرهنگ تاریخی گیتی که در این سرزمین با دقتها و تاز یافته های تمدن و فرهنگ آن، از جمله اقوام باستانی و تاریخی که در آن جولان نگاه، پهلوان و پهلوانی را می شناسیم و در این سرزمین تا قرن دوم هجری نشان از فرهنگ و تمدن این دیار در دست یافت تا اینکه در سال ۱۰۳۶ قمری در زمان شاه اسماعیل اول شخصی بنام استاد بابا ایلی با کمک پسران خود این سرزمین را با ۱۹۰۰۰ تومان از خانواده آریویجی خریداری کرد و در آنجا ساکن شد. از آن زمان به بعد این سرزمین را کاندلوس نامیدند و از آن زمان به بعد این سرزمین را کاندلوس نامیدند و از آن زمان به بعد این سرزمین را کاندلوس نامیدند و از آن زمان به بعد این سرزمین را کاندلوس نامیدند.





(کله چو) نمونه یک خانه روستائی مازندران
"Kalechu", a sample of rustic cottage in Mazandaran.



مجموعه فرهنگی کندلوس در دامان طبیعت K.C.C. Embraced by nature

Art is the manifestation of man's intricacies of reflections and of his mental and emotional delicacies. In reply to what the motive behind the art is, one could assert that it is love. It is love that is the orbit of creation, that reduces even man and fairy to parasites, that paves the way for the artists with its miraculous charms, and that flies the wishes and eventually creates a piece of art.

An artist is impressed by the nature and his environment and he associates and shapes such impressions with his own imagination and wishes as he deems it appropriate. Hence it is not difficult to adopt the assertion that art is the offspring of emotions and imaginations and that man is born to be an artist, as imagination has always dominated over the realm of reasoning or experimentation.

The history of art in Iran dates back to the ancient history of the country itself. Whatever left behind by our ancestors in various parts of this widespread, highly proud and well-known land acquaints one with the school of thought, talents, civilization and culture of its people throughout its history.

The remains from the ancient era in Persepolis, Hassanlou Hill, Susa, Silk, Nesa, etc show that they were individually constructed and accomplished thanks to the talents and reflections of our ancestors and they serve as valuable and documentary evidences to support the several millennia of Iran's history.

The northern part of Iran including Kojour region and its suburbs enjoy many art treasures which depict certain aspect of its ancient history including its ups and downs and of the talents and thoughts of the people living in this area. Particularly, they reflect some of the arts prevailing during parthian era and post-Islamic period.

This pictorial booklet which illustrates Kandelous Cultural Complex (K.C.C) in Kojour region could serve as a concrete evidence to support the above.



میخساز

هنر

ناظره تمام کن که بیشتر در عیان شود

با هنر نزاع و محاکمه چای بست
هنر تجلی دقایق اندیشه ها و لطافت
روحی و عاطفی آدمی است. دست ماه هنر
جست! عشق، عشق است که مدار آفرینی
است، عشق است که آدمی و بری را به طفیل
میگرد و بنا جاذبه متعجب آفرین خویش راه
هنرمندان را می زند، آرزوها را بر او می دهد و
هنر را می آفریند.

هنرمند کسی است که از طبیعت و
آنچه بر او است تاثیر می پذیرد و این تاثیر
را با تحلیل و آرزوهای خود، چنانکه دلخواه و
بست اوست می آیزد و شکل می بخشد. بی اگر
گفته شود هنر فرزند عاطفه و تحمیل است و
انسان از زمان بوجود آمدن هنر مند بوده،
پذیرش آن دسوار نیست زیرا حکومت خال
همواره بر حکومت عقل و تجربه مقدم بوده
است.

هنر ایران زمین به دیرنگی تاریخ کهن
آتش، و آنچه از بنا گمان، در جای جای این
کشور پنهان و بر افتخار و زرفای سرزمین نام
آور آن باقی مانده، آدمی را به شیوه آندیشه
ذوق، تمدن و فرهنگ ایران زمین رهسوار
مستود.

آثار باستانی یافته از عهد باستان در بحث
حشید، تپه حشیلو، شوش، سیلک، نسا، ...
همه و همه ساخته و پرداخته دست آندیشه و ذوق
گذشتگان ما هستند و بتوانند از زنده و مستند
تاریخ جدید هر از ساله ایران.

بحث شمالی ایران و دیار کجور و
نواع آن نیز از گنجینه های هنری بسیاری
بر حوزدار است به گونه های از تاریخ روزگار
دیرین و قراز و نسب های آن و ذوق و آندیشه
مردمانی که در این دیار می زیستند یا بیستنده
سخن میگویند و به ویژه گوشه بی از هنر زمان
اسکانیان و ایران پس از اسلام را باز متغاید.

این دفتر که سحنی است منصور از
مجموعه فرهنگی کندلوس در دیار کجور
میتواند گواهی راستین بر این گفتار باشد.

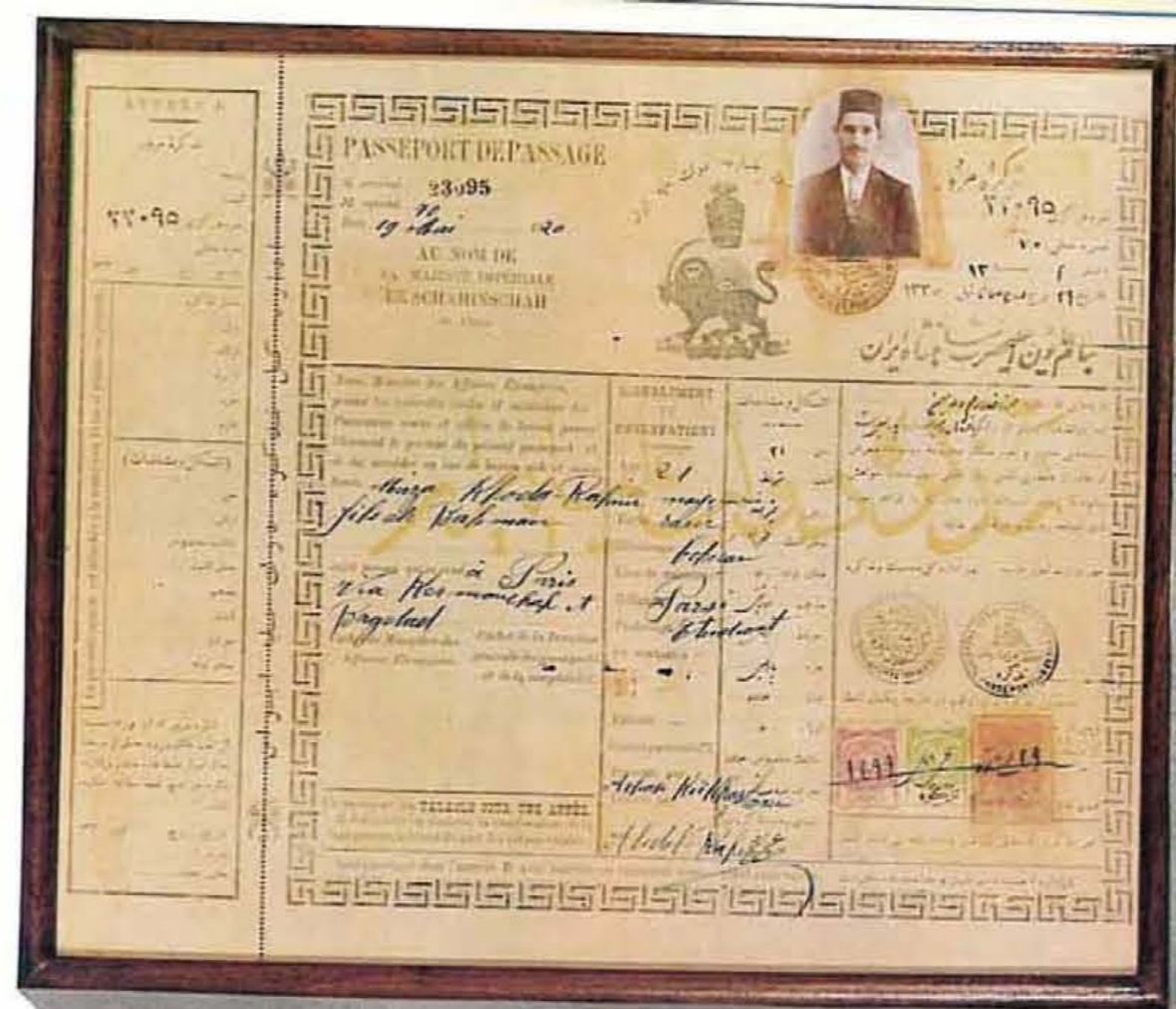




طولها ۹ متری قرآنی کورنم

با تذهیب و خوشنویسی مظهر عشق و ایمان

The Holy Koran on a nine meter long scroll with calligraphy and illumination, the manifestation of love and faith.



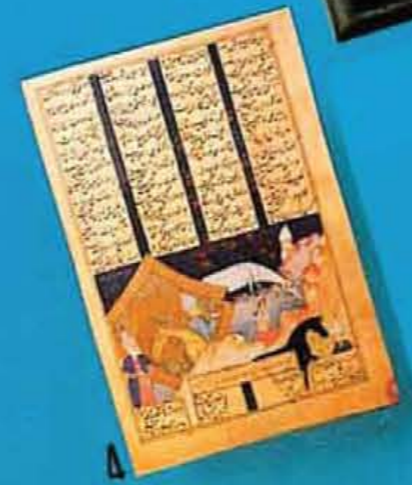
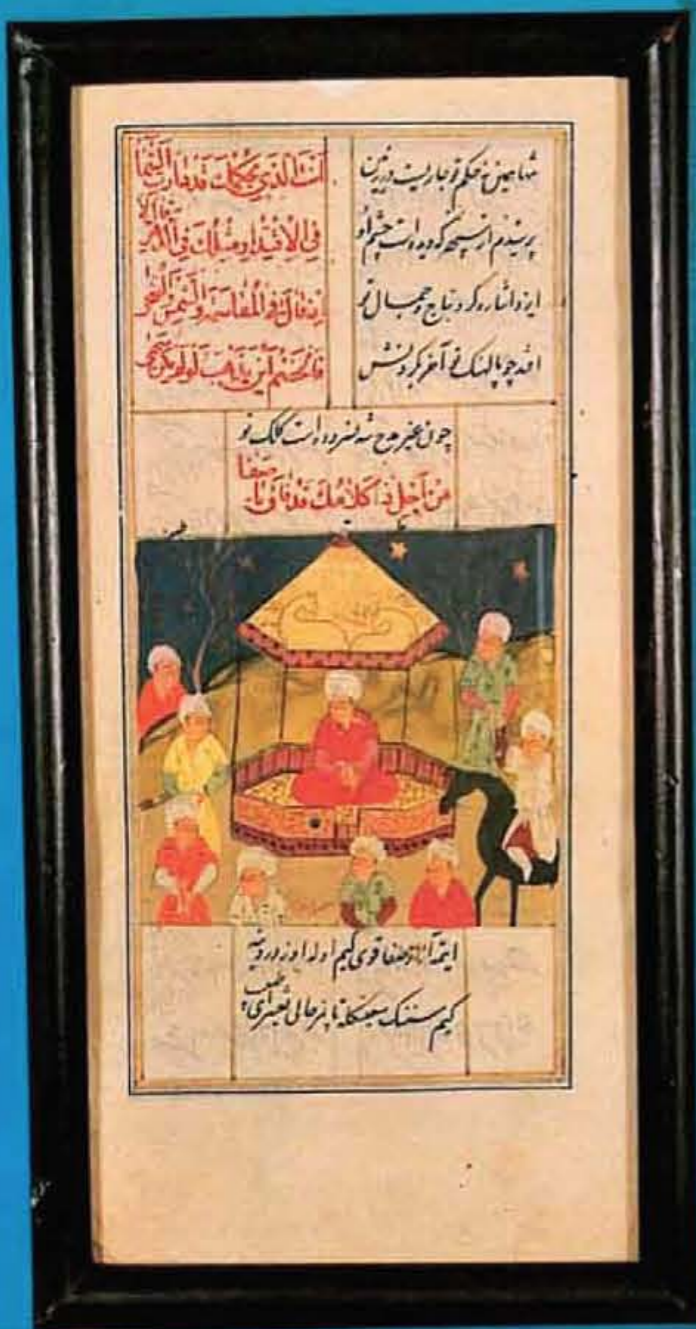
از اولین پاسپورت های ایرانی
One of first passport issued in Iran.

ناصرالدین قاجار در میان مردم کندلوس
Naseroddin Shah Ghajar
Among Kandelous people.



بعد از صرف نهار در کدولوس این عکس انداخته شد صفر ۱۳۱۴

تهران
www.tabarestan.info



1

2

3



- 1- برگگی از کتاب مذهبی با تصویر میناتور
- 2- قبالة ازدواج خانم سکینه بنا کندلوسی که با رنگهای طبیعی فریب شده است
- 3- شعری از امیرپازواری (به گویش مازندرانی)
- 4- برگگی از شعر و نقاشی بازمانده از قرن دهم هجری قمری
- خط ننگ

- 1- سیاه مشق، هنر خوشنویسی میر
- 2- قبالة ازدواج دوران قاجاریه
- 3- سند واگذاری اموال
- 4- برگگی از کتاب خردنامه اسکندری، ۹۵۰ هجری قمری

- 1- practice in calligraphy, an art piece of calligraphy by Mir.
- 2- A marriage contract during Ghajar dynasty.
- 3- A title deed for the cession of properties.
- 4- A page of the book " KHERAD NAMEH ESKANDARI written in 950 luner Hejira.

- 1- A page of a religious book decorated with miniature painting.
- 2- Marriage contract of Mrs. Sakineh Bana Kandelousi decorated with natural dyes.
- 3- A poem by Amir pazovari composed in the dialect prevailing in Mazandaran province.
- 4- A page of poems and painting recovered since 10th century lunar Hejira.
- 5- "SOLS" writing, a style in calligraphy.



برگهای کتابهای شعر مصور

تهران مشهدان
www.tabarestan.info



۱- فرمان مظفرالدین شاه برای استخراج معدن
۲- برگهایی از کتابهای شعر همراه با مینیاتور

1 - A royal decree for the exploitation of a mine.
2 - Some pages of poem books decorated with miniature.



Some pages of pictorial books of poems.



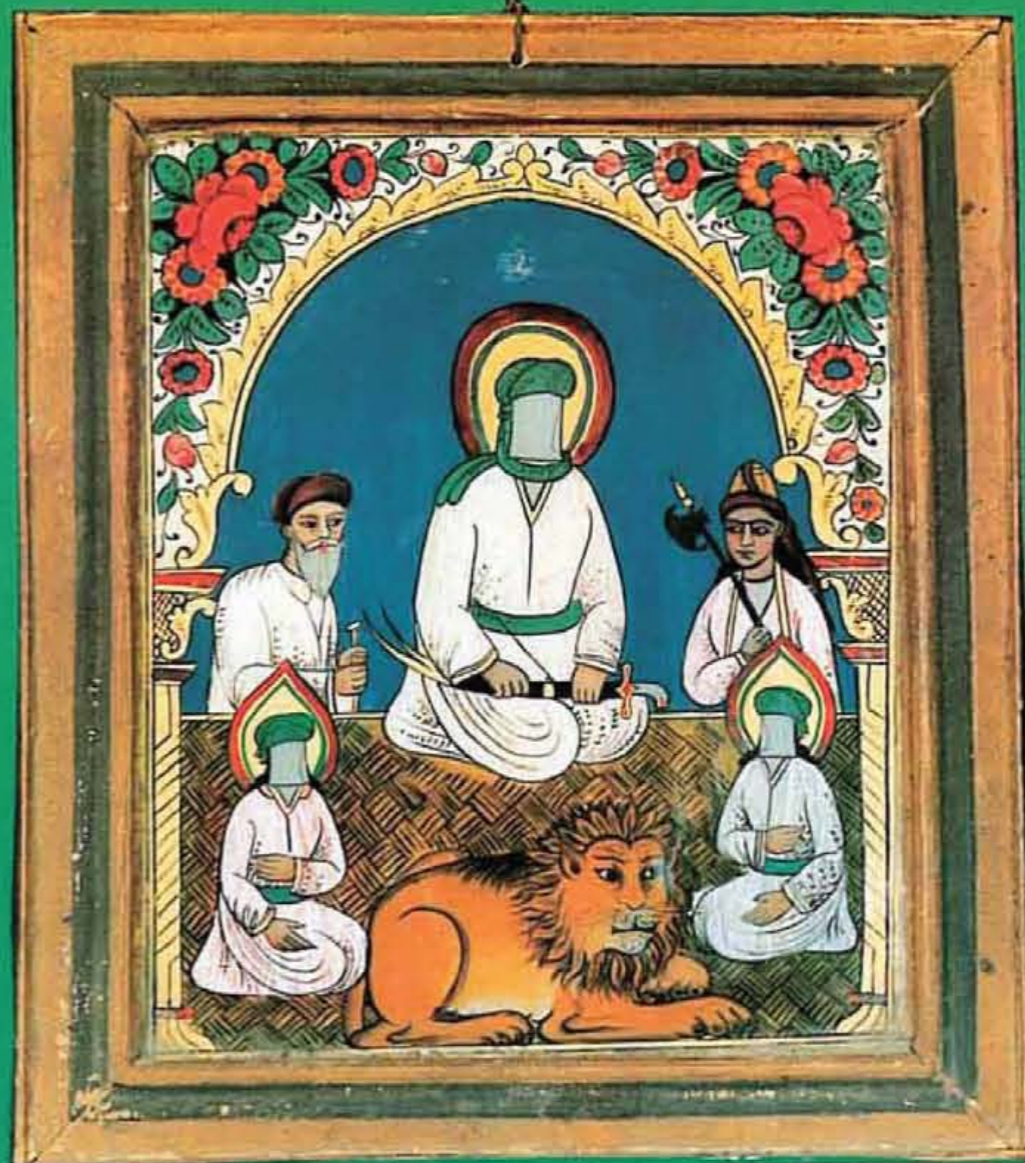
نصفت شوم :

امروز بعد از درس دو کلاس همین چند کلمه را مصدع
شدم. اعلیحضرت اقدس مظفرالدین شاه جهان را بدرود گفتند و
اعلیحضرت اقدس همایونی محمد علیشاه به تخت جلوس
فرمودند.

چون چیزی بخاطرم نمرسد که عرض کنم لهذا این را
مینویسم که وکلای طهرانی روز سه شنبه ۲۲ ذیحجه حرکت
کردند. آقا بان آقا سیدحسین، میرزا صالح خان، میرزا عبدالله
خان میرزا مهدیخان و محمد حسین میرزا و غیره عرض سلام
دارند.

امیدوارم که در ایران هم مثل مدرسه حابعالی هزار
مدرسه باز شود و باز هم بر صد شما در مکتب ایرانی تحصیل
نمایم خوشحال شما که در جاهایی مثل پاریس هستید و در قند
ریش نراسیدن نیستید.....

گاهگاهی فراموش را فراموش کنید و حاکم را بدو
کلمه مفتخر و سرفراز کنید. ایولفاسم: مدرسه لغمانیه

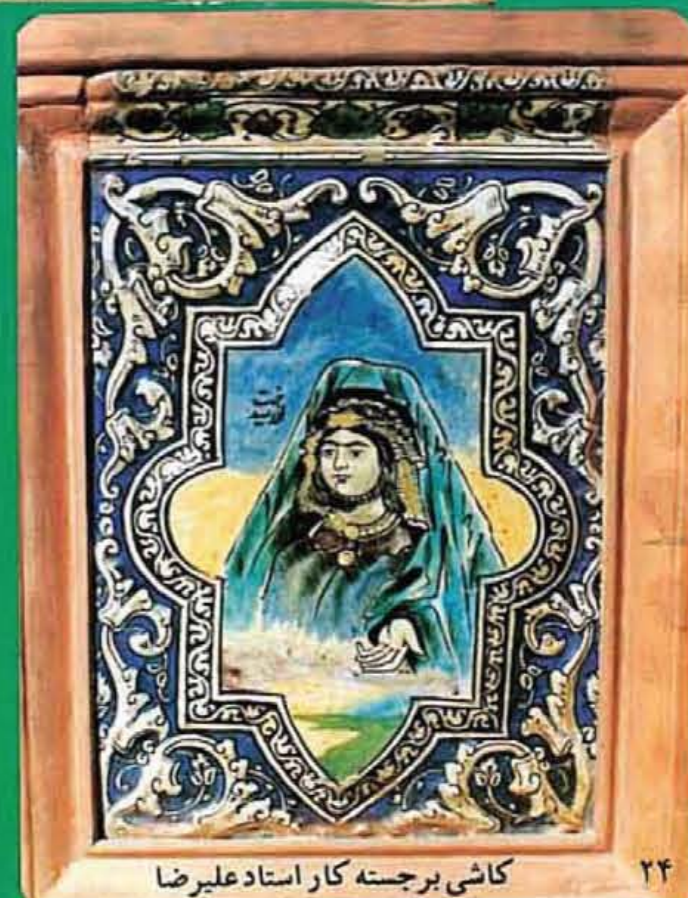


تابلوی نقاشی صور مطهر: نقاشی پشت شیشه
در این تابلو از لیاف رنگی ابریشمی و نصب آن
بر پشت شیشه استفاده شده است

Painting of the holy faces: Glass-back painting.
In this painting coloured silk fibers fixed at the
back of the glass were used.

- Section for ornaments, and
- Section for living implements

زبور آلات و...
بخش ابزار زیستی،



کاشی برجسته کار استاد علیرضا

A postcard related to the region of Mozaffaroddin Shah.



May I be sacrificed for thee

Today after the class was over, I have dropped
these few lines to you to take up your time. His Imperial
Majesty, Mozaffaroddin shah has passed away and his
Imperial Majesty Mohammad ali shah has come to throne.

I don't remember much to write. However, I can only
inform you that the Tehran members of the parliament
have set out on May 25th. Messieurs Agha sayyed
Hosseïn, Mirza Saleh Khan, Mirza Abdollah Khan, Mirza
Mehdi Khan, Mohammad Hossein Mirza and others give
their regards.

I hope that thousands of schools like the one you
are studying in would be opened in Iran so that we could
study against you in an Iranian school! You must be so
lucky that you are studying in a place like Paris where you
are not bound to keep your beard growing.

Please sometimes forget the forgetfulness and
honour me by dropping few lines to me.

Sincerely yours,
Abolghassem
Loghmanieh School



1 - Double-faced door with carved knots made by master Hassan Nafezi.
2 - Iranian bowl, plate, lamp.

۱- در گره چینی دورو، هنر استاد حسن نافعی
۲- کاسه، بشقاب، چراغ لامبای ایرانی

تبرستان
www.tabarestan.info



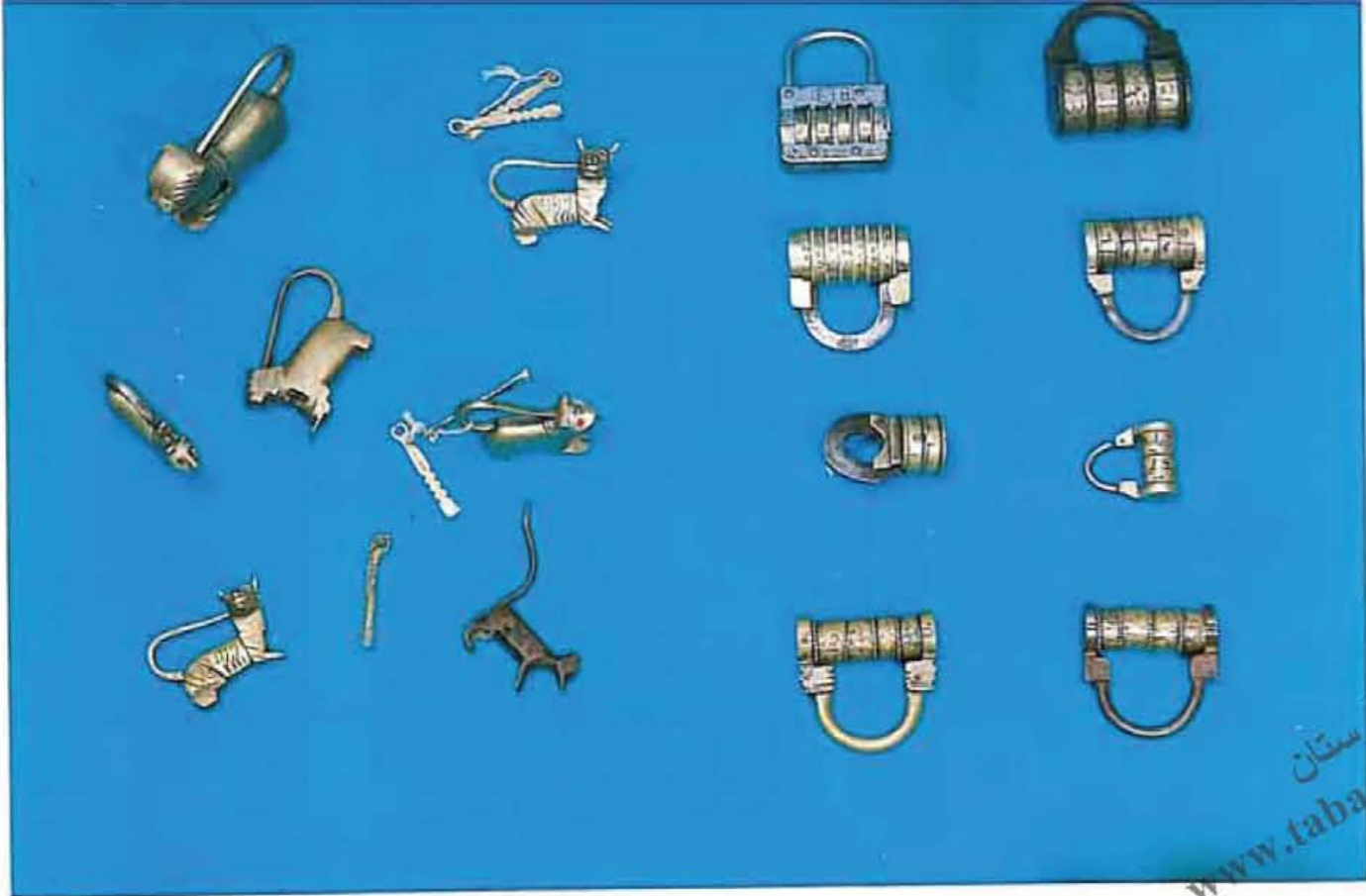
Rural implements:

- 1 - Rural wooden and stone implements.
- 2 - Blacksmith bellows.
- 3 - Lock, bayonet, collyrium-box.
- 4 - Spinning spindle.
- 5 - Lighting instruments.
- 6 - A bowl for setting Iranian "Haft Seen".
(Haft Seen is one of the most celebrated Iranian custom on the eve of the New Year in which seven things each beginning with "Seen", the 16th Alphabet of Persian language, having an "s" sound, are set on the table among which sumac, garlic, vinegar, greenery (of wheat seed, etc) fresh vegetable, fennel seeds, could be given as examples.



دست افزارهای روستایی
۱- وسایل چوبی و سنگی روستایی
۲- دم آهنگری
۳- قفل، سرتیزه، سرمه‌دان
۴- دوک نخ‌ریسی
۵- ابزارهای روستایی
۶- کاسه هفت سین ایرانی





Kinds of old Iranian combination locks.

گونه‌های قفل‌های رمزدار قدیمی ایران

تبرستان
www.tabarestan.info



Old Iranian lamp and tea container.

جراغ و جای دان قدیمی ایرانی



Hand-woven woolen coarse blanket in Kandelous.

جاجیم دست بافت پشمی کار کندلوس

Chinaware teapot and sugar bowl related to Ghajar era.

قوری و قندان چینی مربوط به دوره قاجاریه





تبرستان
www.tabarestan.info



گونه‌های قیچی قدیمی دست ساز ایرانی مربوط به دوره‌های مختلف.

دگرگونی عینک از دوران صفوی تا این روزگار.

Developments in making spectacles since Safavid era.
Kinds of old Iranian hand-made scissors related to various eras.



Old pen cases.

Kinds of wooden spoons (Kache) remaining in villages.

قلم دانهای قدیمی

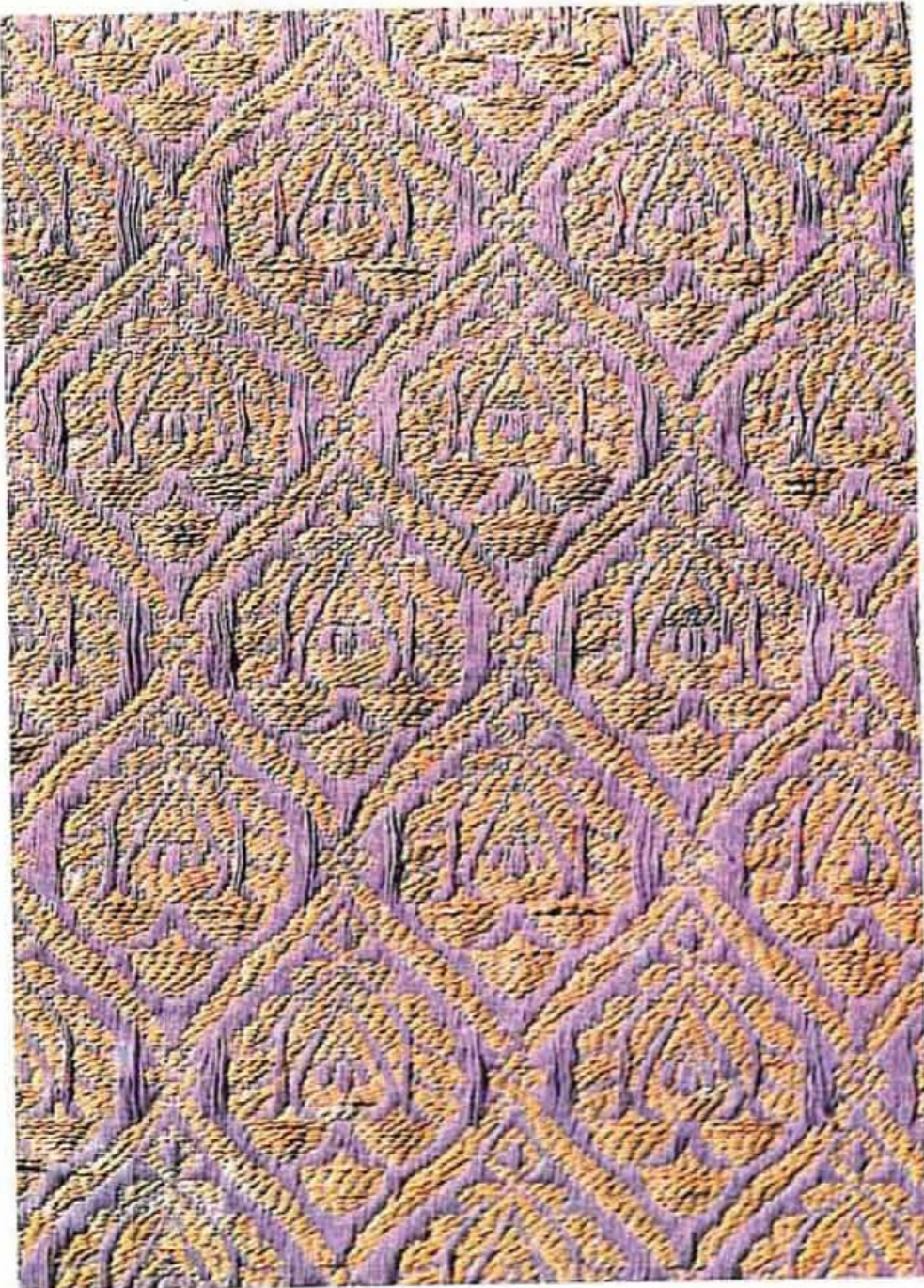
گونه‌های کچه (قاشق‌های چوبی) بر جای مانده در روستاها



- 1 - Means for taking a bath and for dying oneself with Henna
(a feast on the eve of a wedding-day ; so-called because they send Henna for the bride).
- 2 - Ornaments worn by women in rural areas.
- 3 - Lamp , lantern , tallow-burner , lampion , lamp burning oil.
- 4 - Various types of calumets , tobacco-pouches and flintstone.



- ۱- وسایل حمام و حنا بندان بر جای مانده از گذشته
۲- زیورهای زنان روستایی
۳- لامپا، فانوس، بیه سوز، چراغ موشی، چراغ روغنی
۴- انواع جیب و کبسه چپق و سنگ آتش زنه (چخماق)



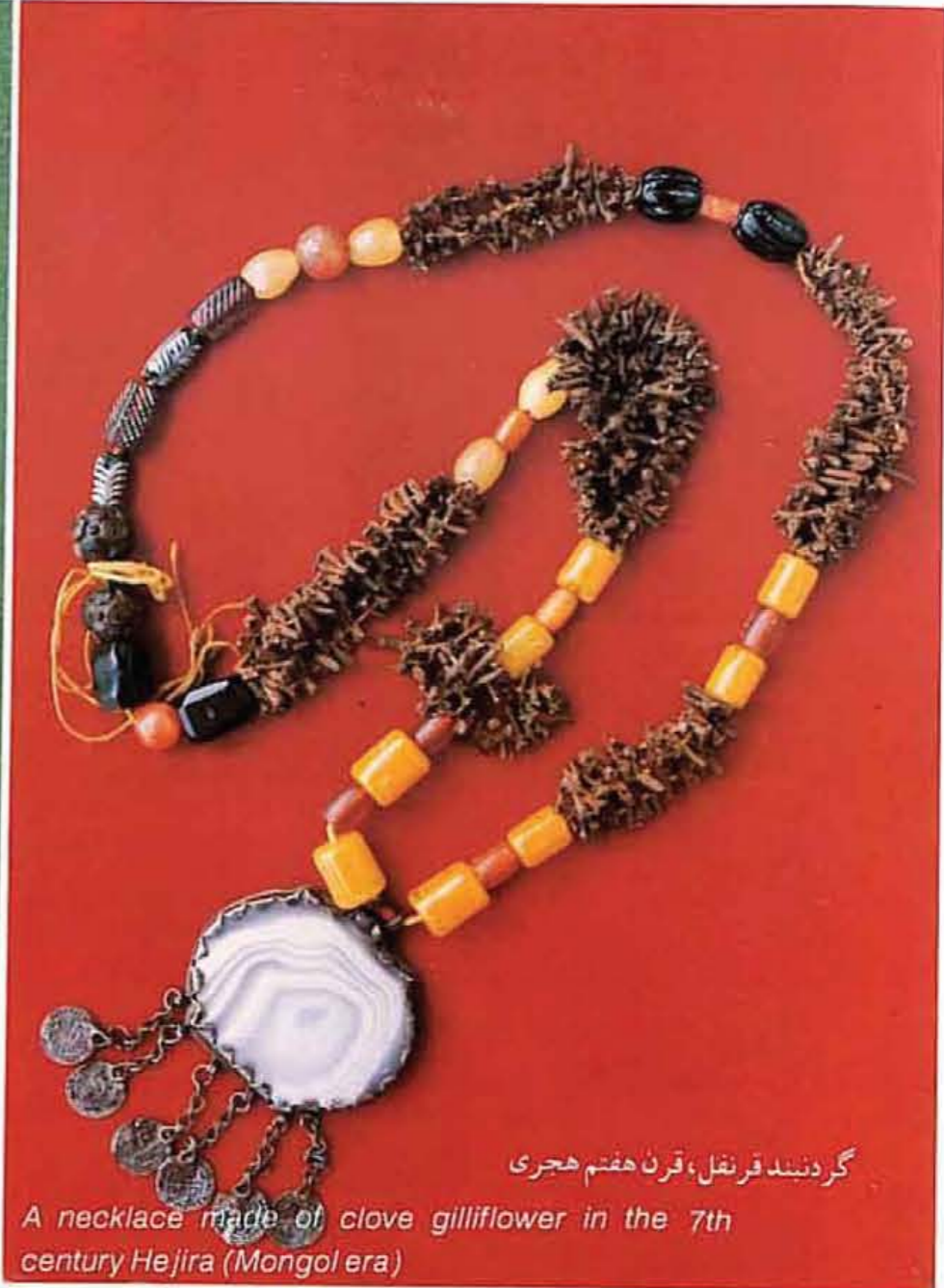
- Section for textiles and costumes.
 - Section for traditional paintings and pictures displayed in Tea-houses.
 A lacquered painting of "Flower and bird"

بخش بافته ها و پوشاک

بخش نقاشی های سنتی و قهوه خانه ای



گردنبند کهربا با لوله نقره ای
 An amber necklace with tubular silver case for keeping written prayers



گردنبند قرنفل، قرن هفتم هجری
 A necklace made of clove gilliflower in the 7th century Hejira (Mongol era)



کلاه قدیمی زنان مازندرانی با تزئینی از نقره و نگین
 An old hat worn by women in Mazandaran province decorated with silver and gem.



نمونه هایی از زیورآلات زنان روستایی

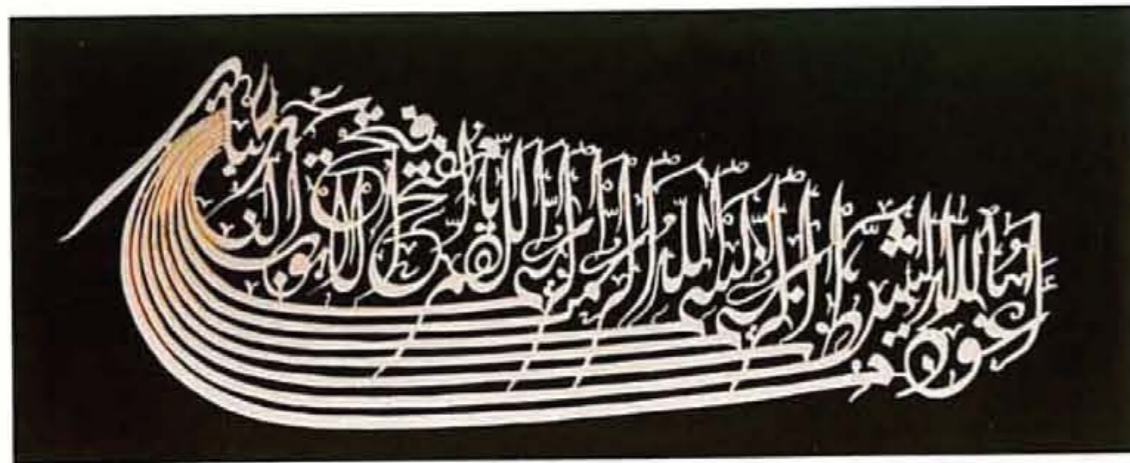


Dimensions 2x1/5 Metrs

www.tabarestan.info

"Ghobar", an artistic piece of calligraphy by Darvish Abdolmajid

غبار - درویش عبدالمجید



آیات قرآنی کنده کاری روی عاج تجلی عشق و ایمان

Some verses of the Koran engraved on a piece of Ivory, a manifestation of love and faith.



ابعاد ۲۸۱/۵۵ متر

Hand-woven carpet فرش بافته شده

پائیز کندلوس

در آذرماه ۱۳۶۵ درخت چنار جلوی امامزاده دهکده کندلوس ما را به ضیافت رنگین برگهایش دعوت کرد. از برگی که همانروز به زمین افتاده بود تا برگهای کهنه و خشک و آفت زده. در حقیقت طبیعت طراح، رنگ آمیزی و نقاشی تابلویی زیبا را در جلوی چشمان جستجوگر علی اسفر جهانگیری بنیان گذار موزه کندلوس گذارد. اسلاید برداشته شده از آن ضیافت. بدون نقشه در ۱۵۶۰ رنگ و ۷۰ گره تبریز به مدت ۴ سال بدست استاد خوش آثار با نگرانی و تشویق بافته شد و امروز این شاهکار هنری چون هزاران اثر دیگر افتخار و عظمت هنر ایران را به رخ جهانیان میکشد.

The Autumn of Kandelous

In autumn 1986 the plane tree grown in front of Kandelous Shrine invited the eyes to a colourful feast of its leaves which enjoyed a wonderful composition ranging from the recently fallen leaves to those old, dried and calamity stricken ones.

In fact the nature had displayed the designing, drawing and painting of a uniquely beautiful picture to the probing eyes of Mr Ali Asghar JAHANGIRI, the founder of kandelous Cultural Meuseum, who joyfully took a slide of it.

The slide was then submitted to the master weaver KHOSHASAR who has meticulously woven a carpet out of it, without having any plan, with a fineness of 70 knots in Tabriz style in a blend of 1560 dyes and colours and within a period of 4 years. Today this masterpiece work of art like thousands of other art works exhibits the magnificence and splendour of persian art to the world.



A slide of the plane tree leaves in Kandelous

اسلاید برداشته شده از برگهای چنار دهکده کندلوس



Material with garden embroidery produced by rural women

بازارچه روی دوری دستبافان بازارستانی



نقاشی بهرام گور هنر حسن اسماعیل زاده
Bahram goor picture painted by Hassan esma'eel Zadeh.



نقاشی پشت شیشه (قیام سیاوش) هنر قربانعلی قربانی
Glass-back painting (The rise of siavosh) painted by Ghorban all Ghorbani.

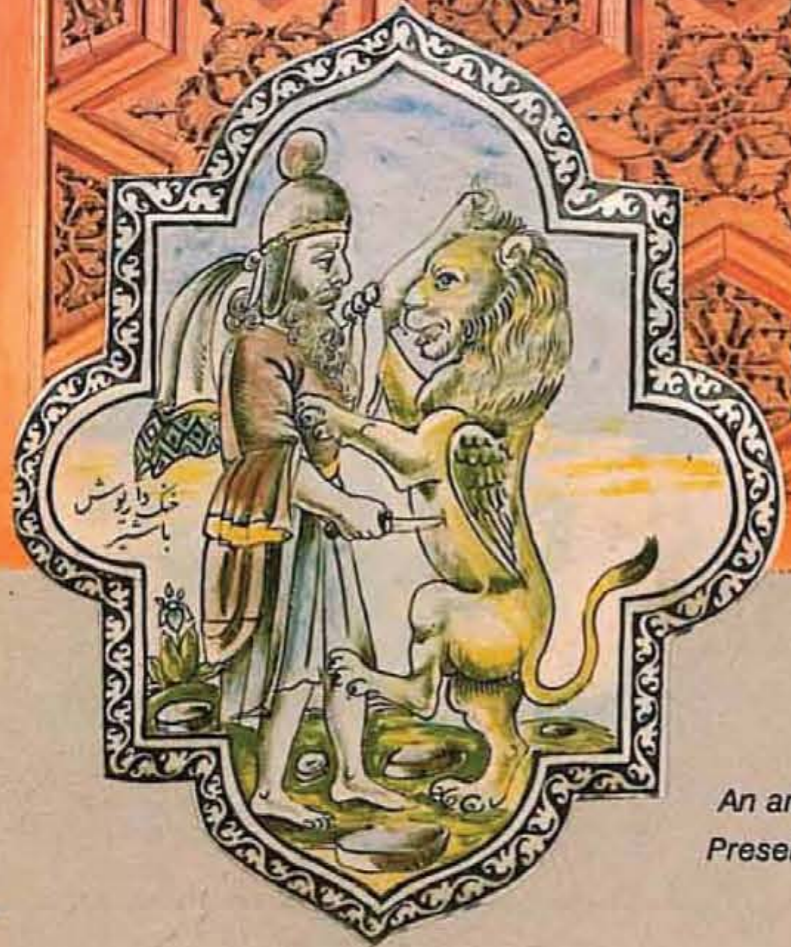
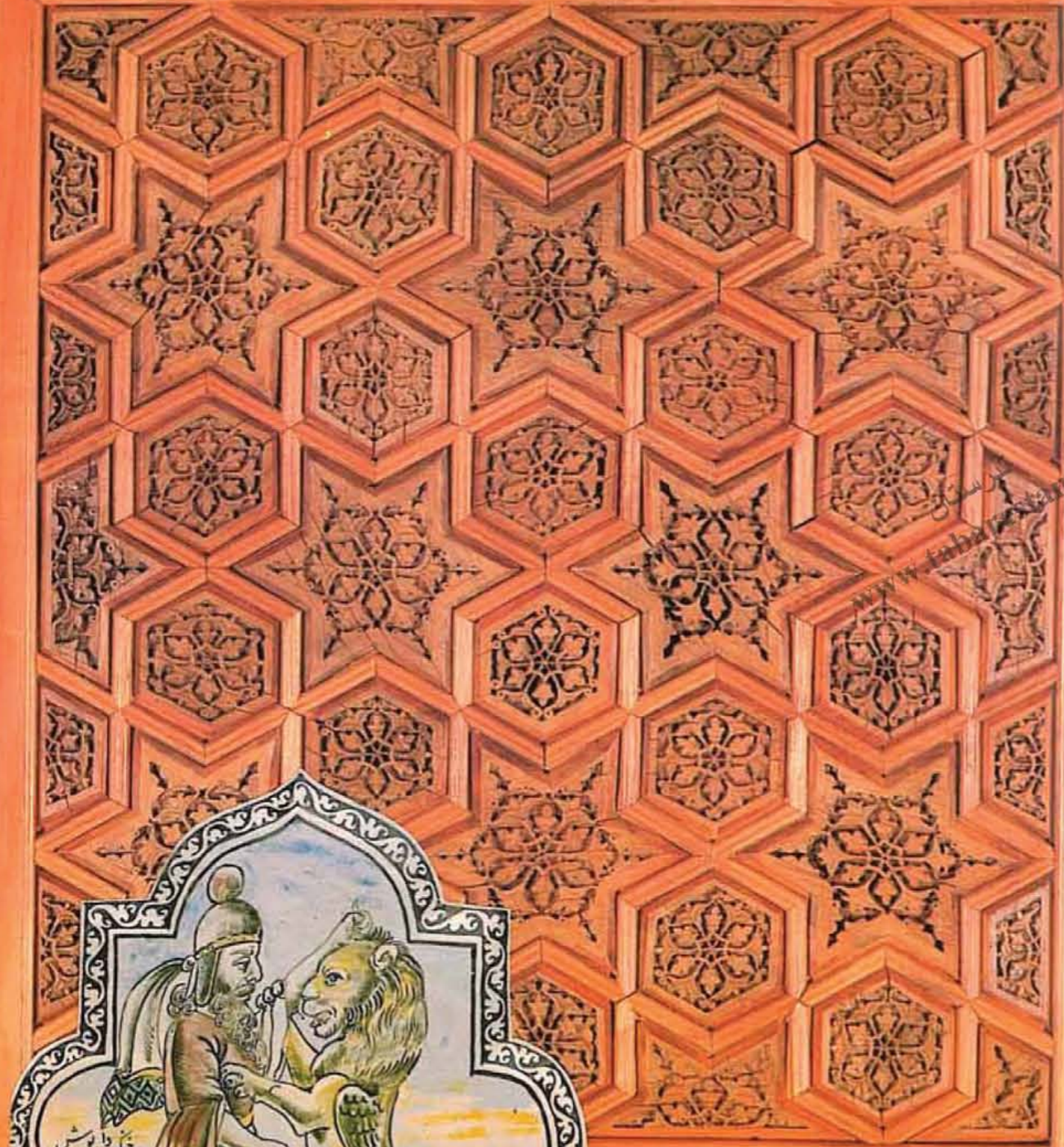


نقاشی قهوه خانه کار قولر آغاسی
painting by Ghollar Aghasi displayed in tea-houses.



A lacquered painting of "Flower and Bird"

تابلوی نقاشی گل و مرغ



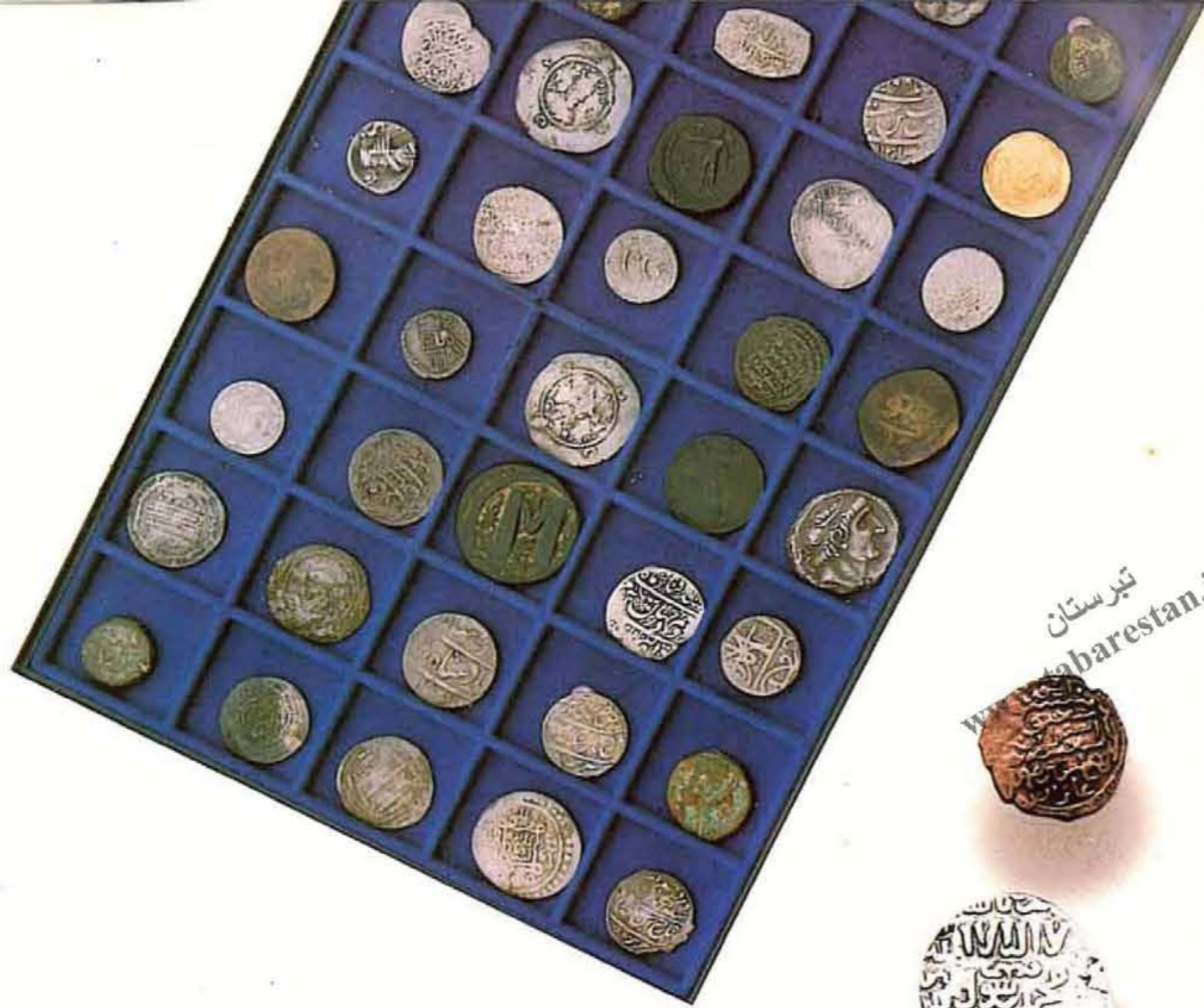
کنده کاری روی چوب هدیه مردم مرزن آباد
 An artistic piece of carving on wood
 Presented to K.C.C. by the people of Marzanabad.



Painting of "Amir and the forest", exhibited in
 Tea-houses, by Hassan Esma'eelzadeh.

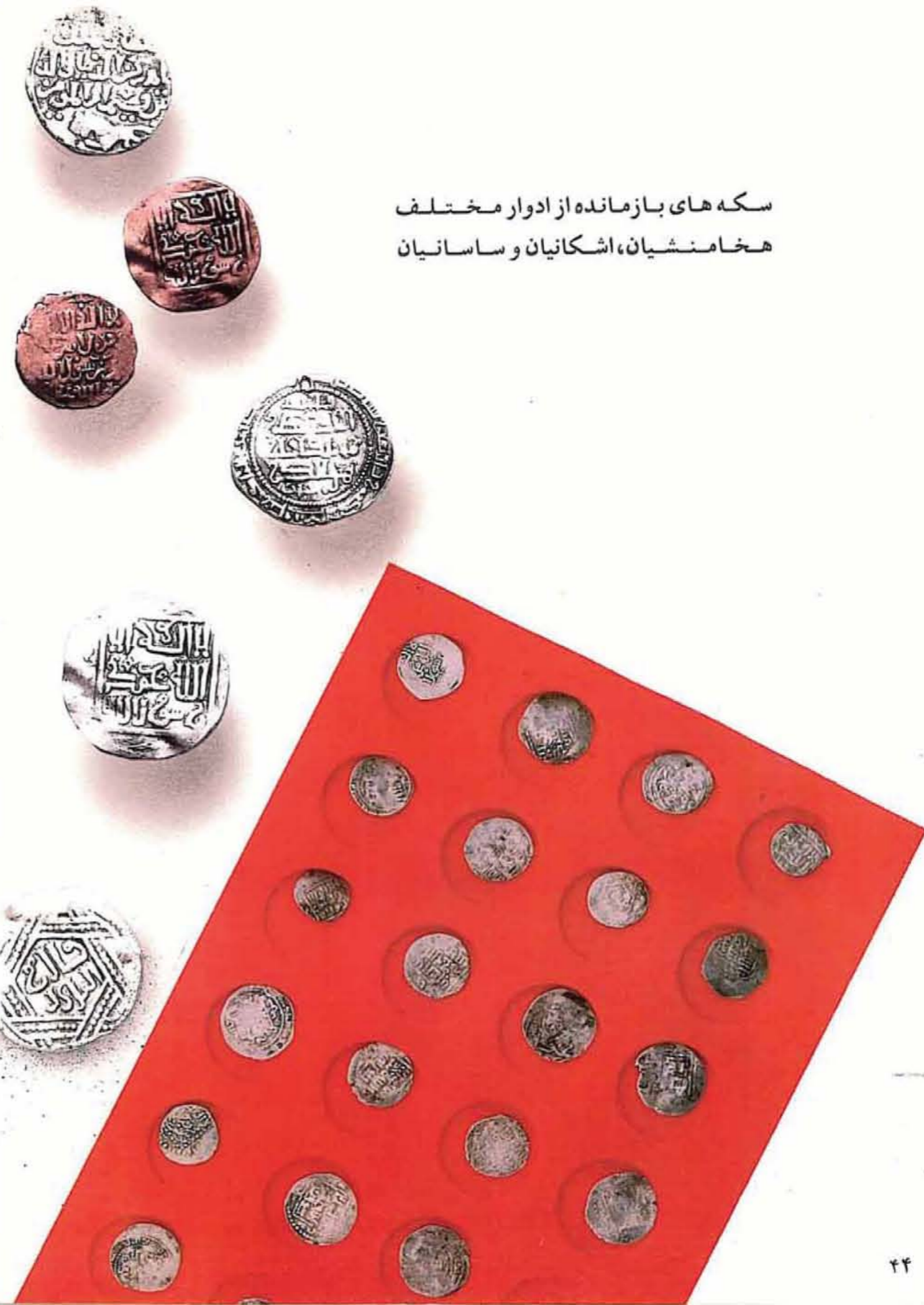


Painting of "The Manouchehr Shah feast"
 exhibited in Tea-houses by Ali Larni.



تبرستان
www.tabarestan.info

Coins remaining from various daynasties of achamenids, Parthians and Sassanids.



سکه های بازمانده از ادوار مختلف هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان

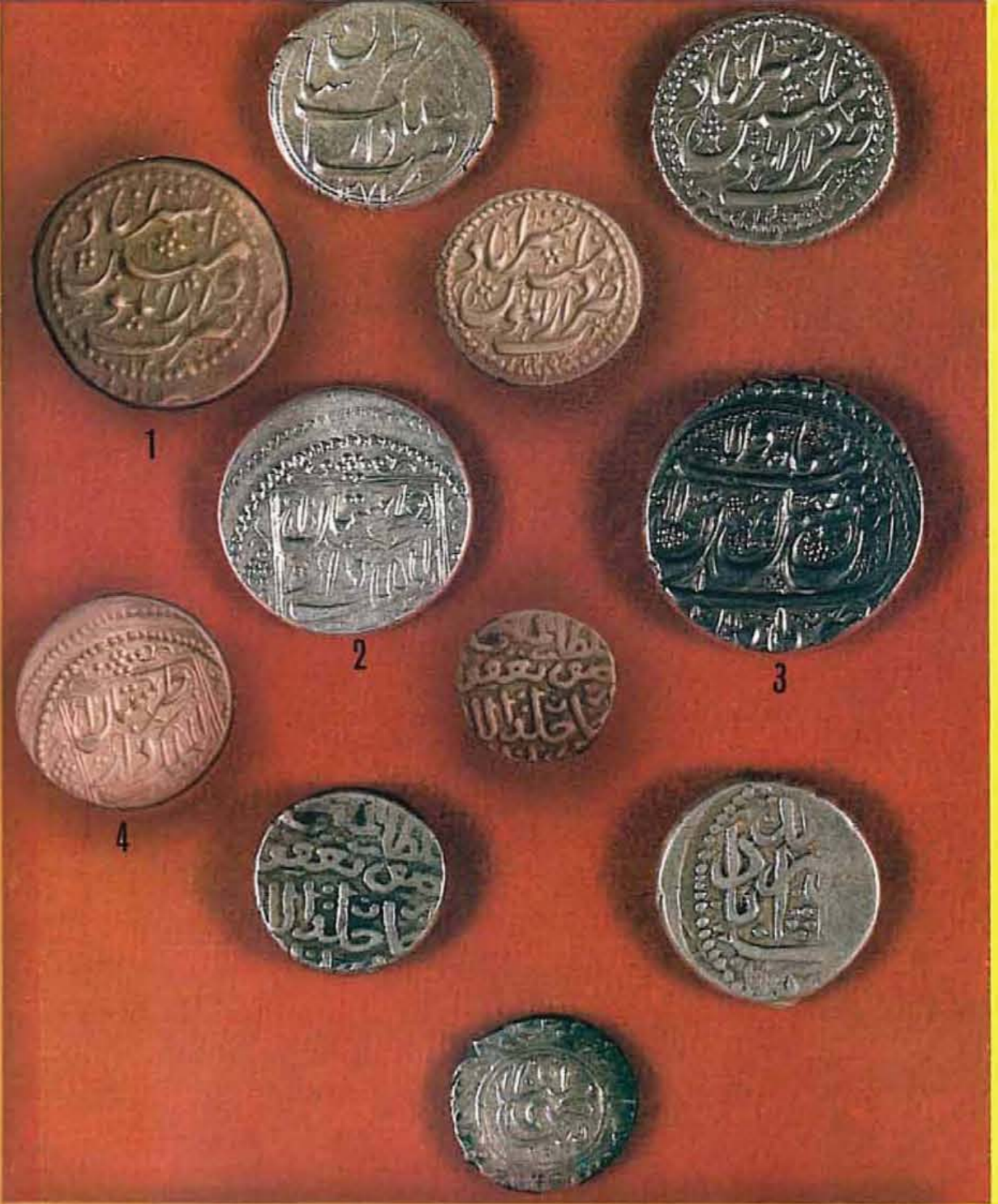


سکه های طلا و نقره مربوط به دور انهای مختلف

- ۱- سکه طلا دوره رکن الدین طغرل بیک سلجوقی
- ۲- سکه نقره ضرب مازندران دوران شاه اسماعیل سوم ۱۱۹۷ هجری قمری
- ۳- سکه نقره مغول مربوط به شاه ابو سعید بهادر خان

Silver and gold coins related to various eras

- 1- a gold coin in the reign of Tughril Beg, Seljuq Sultan.
- 2- A silver coin struck in Mazandaran during the reign of Shah Ismaeel III in 1197 lunar Hejira.
- 3- A Mongol silver coin related to the reign of Shah Abousaeed Bahador Khan.



Historic coins

- 1- A coin, during the reign of Aghghoyunlou, struck in Mazandaran.
- 2- A coin, during the reign of Shah Ismaeel III in 1166 Lunar Hejira.
- 3- A coin, during the reign of Mohammad Shah Ghjar, struck in Darolmomenin of Astarabad.
- 4- A coin, during the reign of Mohammad Shah Ghajar, struck in Darolmolk of Tabarestan.

سکه های تاریخی:

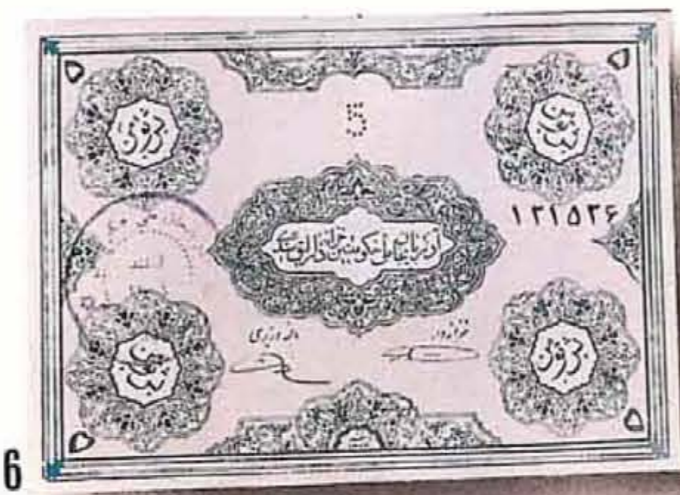
- ۱- سکه دوره تاریخی آق قویونلو، ضرب مازندران
- ۲- سکه دوره تاریخی شاه اسماعیل سوم ۱۱۶۶ هجری قمری
- ۳- سکه دوره تاریخی محمد شاه قاجار ضرب دارالمومنین استرآباد
- ۴- سکه دوره تاریخی محمد شاه قاجار ضرب دارالملک طبرستان



4



5



6

تهران
www.tabarestan.info



1



2

- گونه هایی از اسکناس های رایج در ایران
- ۱- پنج مارک آلمانی برابر دو اوزده قرن و دهشاهی، نخستین پول کاغذی رایج در ایران
 - ۲- بیست مارکی معادل پنج تومان نخستین پول کاغذی رایج در ایران
 - ۳- یک تومانی ترکی مربوط به فرقه دمکرات آذربایجان
 - ۴- سه تومانی ناصرالدینشاه قاجار چاپ مشهد ویژه خرج در یزد
 - ۵- یک تومانی ناصرالدینشاه قاجار برای شهرستان بارفروش (بابل)
 - ۶- پنج تومانی حکومت ملی آذربایجان (فرقه دمکرات)

Certain types of bank-notes current in Iran

- 1- A five-Mark bill equal to 12 krans and 10 Shahis, the first paper money in Iran.
- 2- Twenty-Mark bill equal to 5-Tomans, the first paper money in Iran.
- 3- The Turkish one-Toman bill related to Azarbijan Democratic Party.
- 4- Naseroddin Shah Ghajar 3-toman bill issued in Mashad and payable at Yazd only.
- 5- Naseroddin Shah Ghajar one-toman bill payable at Barforoush (Babol town) only.
- 6- 5-Toman bill related to Azarbijan National Government (Democratic party).





STATUE OF RUSTAM

Reminder of the sensational epopee of Ferdowsi in Shahnameh and the seven exploits of Mazandaran.

نمایی از رستم و اسبش در موزه مازندران

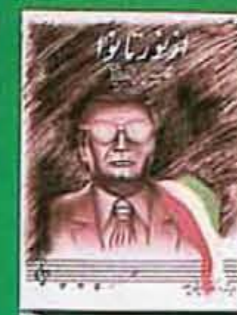
نمونه‌هایی از کوشش‌های ادبی، تاریخی، موسیقی مجموعه فرهنگی کندلوس

الف: انتشارات

- ۱- کندلوس
- ۲- مینا و بلنگ
- ۳- مارجان
- ۴- استوناوند
- ۵- از نور تا نوا
- ۶- فرهنگ لکی
- ۷- تاریخ بدخشان
- ۸- روزنامه سفر گیلان
- ۹- تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس
- ۱۰- راههای قطغن بدخشان

ب: موسیقی

- ۱- ترانه های کجور مازندران
- ۲- صدای زنگ
- ۳- سفری به کندلوس
- ۴- بازگشت
- ۵- پیش تر از مرحله عاقلی



CERTAIN CULTURAL ACTIVITIES OF K.C.C

A - PUBLICATIONS

- 1- Kandelous
- 2- Mina & the Leopard
- 3- Maarjaan
- 4- Ostunavand
- 5- Az Nour ta Nava
- 6- Laki Dictionary
- 7- Badakhshan history
- 8- A Diary of A "Journey to Gilan".
- 9- Lands and ports of Persian gulf
- 10- Ghatghan and Badakhshan history

B- Music

- 1- Kojur Local Songs
- 2- The Sound of bell
- 3- A journey to Kanelous
- 4- Return
- 5- Beyond the stage of reasoning



دیوار کجور

در بخشی از دامنه های شمالی البرز کوه، آنجا که کوه به دریا می نگرد و سرزمینهای گسترده بی از برکت بارانهای بی دریغ طراوت می پذیرد و دشت، به دست هنر آفرین طبیعت پرنیاسی میشود، سرزمینی از دورگاه تاریخ، با نام «رویان» به یادگار مانده است که در روزگار ما آنرا «کجور» می نامند.

دریای مازندران از شمال، بلبوک «نور» از جنوب «سولده» از شرق «جالوس» از غرب سرزمین «کجور» و توابع آنرا چون نگین انگشتری دربر گرفته است، این خطه کهن که اکنون نژادگان خواجه وند و گیلک ها در آن می زینند، تاریخی شگرف و سخت را پس پشت گذاشته، روزگاری زادگاه و زیستگاه

اشکانیان بوده و زمانی ترکناز مغول را از سر گذرانده و سرانجام در ۷۴۶ هجری قمری، مرکز آن با همت اسکندر بن زیاد از ملوک آل پادوسیان سامان یافته است.

دیوار کجور از پس آنهمه طوفانهای سخت، امروز سرفراز و استوار سرسبز و باطراوت، همچنان در آغوش البرز کوه، و سربه دامن آن غنوده است و میتواند نموداری از سرزمین تاریخی و هنر آفرین ایران زمین باشد. گواه راستین این سخن، روسای بر آوازه «کندلوس» از مجموعه میخساز و توابع کجور است که اکنون در دیدگاه شماست.

KOJOUR REGION

In a part of the northern slopes of Alborz mountain which overlooks the sea and where, thanks to the generous rainfalls, widespread areas look fresh and green and their plains look like painted silk, an ancient territory called "ROUYAN" has survived through the time which in our days it is known as "KOJOUR".

Kojour region and its suburbs resemble the stone of a ring which are encircled by Caspian Sea on the north, Nour parish on the south, Souledeh on the east and Chalous on the west.

This ancient region which is now inhabited by Khajevand and Gilak clans has passed through great as well as rough times. For some period it was the birthplace and living environment of the Sassanides and the parthian and for the other it lived through the plundering of the Mongols. Eventually in 746 Lunar Hejira, its center was established and ordered with the endeavours of Iskanderebn Ziad of the Padousban dynasty.

Following such deluge of misfortunes, Kojour region is today still proud, stable and ever green lying at and embraced by Alborz mountain, and can serve as a living example of Iran's historical and art patronizing region. In this connection the highly reputed village of Kandelous from Mikhsaz rural district and its suburbs which you are now observing could be reckoned as a real example to support the above.

تبرستان
www.tabarestan.info

Kandelous village lying at Alborz mountain

روستای کندهلوس آرمیده بر دامنه البرز